**( 62 )**

**هو الله**

ای بندۀ آستان مبارک نامه‌ئی از شما رسید و سبب سرور گردید زیرا دلالت بر صحت و سلامت عموم احبا در آن صفحات بود الحمد لله در این سنین انقلاب در صون حمایت الهی محفوظ بوده‌اید و حال آنکه اکثر ناس در نهایت انقلاب و اضطراب و جمیع اقالیم عالم در آتش خونریزی سوخته و افروخته لکن دوستان الهی بمبارکی تعالیم ربانی در آسیا و امریک و افریک در نهایت امن و امان و از جمیع آفات محفوظ و پر روح و ریحان ایام جنگ را گذاراندند و با وجود این شدائد و انقطاع مخابرات باز در جمیع جهان نفوذ کلمة ‌الله در ازدیاد و انتشار نفحات الله مزداد شد جمیع امور در جمیع حدود و ثغور رو باضمحلال بود مگر امرالله که روز بروز در انتشار بود شما بجمیع متعلقین و احبا یک یک تحیت عبدالبهآء ابلاغ دارید اخبارات مفصله در نامه مرقوم دارید و بگوئید هفت اقلیم از صور اسرافیل در اهتزاز و صیت و صوت این امر بدیع ارکان جهان را بحرکت آورده ولی اکثری از اهل ایران هنوز بخواب کابوسی گرفتار علی الخصوص کشور نور که موطن حضرت مقصود است اندکی هنوز مخمود و محجوبست مانند مکه که موطن حضرت رسول علیه السلام بود یثرب و یمن و تهامه روشن شده بود و مکه که منبت شجره مبارکه بود غافل و ذاهل این قاعده عمومی در جمیع دورها و کورها بود که بیگانگان آشنا و آشنایان که از اهل وطن مظهر حقیقت بودند بیگانه می‌ماندند شما حال در این دور بدیع بیائید این قاعده را بهم زنید بر عکس اهالی مکه نشر نفحات الله نمائید و آتش محبت الله برافروزید و خطه نور را مشکاة لمعه نور و شعله طور کنید و جمیع دوستان را تحیت مشتاقانه برسانید و این نامه را بجهت دوستان بخوانید و علیک البهاء

 آب ١٩١٩

(عبدالبهآء عباس)

ای حضرت عموزاده یادگار عزیز آن روح مجسم و نور مصوری حضرت عم بزرگوار بعبدالبهاء بی‌نهایت مهربان بود و در ایام طفولیت که در آن قریه بودم بسیار نوازش می‌نمود و آمیزش می‌فرمود هنوز حلاوت محبت او در مذاقست لهذا مرا آرزو چنان که شمع او روشن گردد و آن قریه گلشن شود و شما باغبان آن گلستان شوید و آهنگ خوش از مرغان آنچمن باین انجمن رسد و علیک البهاء (عبدالبهآء عباس)